

بررسی دیدگاه‌های فقهی علمای اهل سنت و شیعه در باب مذموم بودن جهاد نکاح

سارا هدایت^۱، غلامرضا عارفیان^۲

^۱ گروه حقوق، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

^۲ گروه حقوق، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران (نویسنده مسؤل)

چکیده

جهاد نکاح، ازدواج چند ساعته‌ای است که جنگ‌جویان برای فرونشاندن غرایز جنسی خود انجام می‌دهند تا با روحیه‌ی بیشتری به جنگ ادامه دهند این فتوا را محمد العریفی از دعوتگران مشهور عربستان و عضو اتحادیه علمای جهان اسلام داده است و سرآغاز آن از زمان شروع جنگ سوریه بوده است. بسیاری از مفتی‌های وهابی دیگر کشورهای عربی به ویژه عربستان سعودی نیز بعد از آن در اظهار نظرهای مختلفی از چنین فتوایی حمایت کرده و خواستار افزایش «جهاد نکاح زنان» شدند. با این حال این مسأله در میان علمای شیعه و اهل سنت جای مناقشه فراوانی داشته است و نظر غالب علمای شیعه و سنی این-گونه بوده است که جهاد نکاح به هیچ وجه جایز نیست و در هیچ زمانی تجویز نشده است و اگر گاهی بعضی افراد منتسب به دین اسلام چنین حرف‌هایی بزنند اجتهاد در مقابل نص کرده‌اند و این حرف‌ها ناشی از هواهای نفسانی و عقده‌های درونی است. در این پژوهش به فلسفه پیدایش جهاد نکاح و تبیین مسأله بر اساس فقه شیعه و اهل سنت پرداخته می‌شود.

واژه‌های کلیدی: جهاد نکاح، عقد فقه شیعه، فقه اهل سنت.

مقدمه

جهاد نکاح (به عربی: جهاد المناکحة) یا جهاد جنسی یک نام مستعار برای رابطه جنسی دگرجنس‌گرایی در چارچوب جهاد است و اشاره به رابطه جنسی جهادی‌ها با بانوانی دارد که به زور و اجبار و یا به میل خود، برای رفع نیازهای جنسی مردان جهادی اقدام می‌کنند. جهاد نکاح، یک فتوای جهاد است که نخستین بار در سال ۲۰۱۳ و در جریان جنگ داخلی سوریه در فضای رسانه‌های مجازی و شبکه‌های اجتماعی وابسته به نظام سوریه در اینترنت منتشر شد؛ و بانی آن یک روحانی وهابی به نام محمد العریفی است. در این جهاد از زنان و دختران خواسته می‌شود تا نیازهای جنسی مجاهدان در سوریه را برآورده سازند؛ و آن‌ها می‌توانند برای کمک به جهادگران در سوریه یا کسانی که علیه نظام بشار اسد قیام مسلحانه کرده‌اند به سوریه بروند و با ازدواج ساعتی با آن‌ها راه بهشت را برای خودشان هموار کنند.

در واقع این ازدواج از حیث ماهیت بسیار شبیه به ازدواج‌های موقت است که میان اهل سنت رایج نیست مانند نکاح متعه یا صیغه موقت و یا با شکل و اسم متفاوتی همچون نکاح مسیار (تمام ازدواج‌های جدید اهل سنت در ظاهر ازدواج دائمی هستند که از این نظر با ازدواج موقت (متعه) تفاوت دارند، اما در واقع به خاطر فرار از نام ازدواج موقت آن را به این صورت درآورده‌اند که در ابتدا به صورت دائمی عقد خوانده می‌شود به شرط اینکه در زمان خاصی طلاق صورت گیرد) رواج دارد، اما از این حیث شبیه به نکاح متعهد است که ازدواج موقت و ازدواج غیردائمی است به گونه‌ای که کسی با زنی به مدت یک روز یا یک هفته یا یک ماه و امثال آن ازدواج کند. آن را بدین جهت متعه نام نهاده‌اند چون مرد به وسیله آن، برای لذت و تمتع موقت و مدت محدودی، به ازدواج اقدام می‌کند و هدف از آن فقط لذت و تمتع است.

با این حال به اتفاق نظر پیشوایان مذاهب فقهی اهل تسنن، ازدواج موقت و متعه حرام است و می‌گویند: هرگاه کسی به این صورت، صیغه عقد را جاری کرد، نکاح او باطل است و به این گونه بر ابطال آن استدلال کرده‌اند: احکامی که قرآن برای ازدواج گفته است و بدان تعلق می‌گیرد، در ازدواج موقت نیست مانند طلاق، وعده، وارث، پس مانند دیگر نکاح‌های باطل این هم باطل هست.

فتوای جهاد نکاح

علمای بزرگ جهان اسلام اعم از سنی و شیعه با قاطعیت اعلام کردند که جهاد زنا فحش‌های رسمی و علنی است که خداوند آن را به شدت نهی کرده است و فرزندان آنان نیز زنازاده می‌باشند. به‌رغم مخالفت علمای بزرگ اهل سنت، تکفیری‌ها اعلام کردند که حتی زنان شوهردار نیز می‌توانند در این جهاد نکاح شرکت کنند و خود را در اختیار مجاهدان بگذارند. با این مقدمه در این مبحث ضمن تبیین مفهوم جهاد نکاح از منظر فقهی، استدلال مخالفان این نوع نکاح نیز آورده شده است. وهابیون برای استدلال خویش در باب جهاد نکاح به روایاتی در معتبرترین کتب اهل سنت استدلال می‌کنند؛ از جمله روایتی که در چند جای صحیح بخاری آمده است که:

از عبد الله بن مسعود روایت شده است که گفت: با پیامبر (ص) به جهاد رفته بودیم و زنان همراه ما نبودند؛ از حضرت اجازه خواستیم که خود را اخته کنیم؛ ولی پیامبر (ص) ما را از این کار نهی فرمودند؛ سپس اجازه دادند که ما مردان ازدواج کنیم (نتزوج) با یک زن (المرأة) و مهریه یک پارچه بدهی (بخاری، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۱۶۸۷). استدلال تکفیری‌ها نیز در مورد مبنای این حدیث این است که:

۱. روایت مربوط به جهاد است.

۲. در روایت آمده است ولیس معنا نساء (که به صورت جمع آمده است، یعنی بیش از ۲ زن همراه ما نبود)

۳. «ثم رخص لنا» یعنی بعد از این درخواست مجوز صادر شد؛ و قبل از آن چنین مجوزی نبود؛ اما ازدواج دائم مجوز همیشگی در اسلام داشت.

۴. «ننکح المرأة» مرأه مفرد است و در مقابل نساء معنای چنین می‌شود؛ همراه ما چند زن نبود، تنها یک زن بود و پیامبر (ص) به ما اجازه داد که همه با این یک زن نکاح کنیم.

الجبرتی تاریخ‌نویس مشهور مصری در کتاب عجائب الآثار می‌نویسد:

در این سال، حسن باشا طاهر به مسافرت رفت و به نزدیکی دالاتیه بولاق رفت و هم‌چنین گروه زیادی از لشکر با او همراه شدند و مشکلات زیادی را در گرفتن الاغ و شتر به زور از مردم ایجاد کردند. سپس به منطقه منیه سیرج و شبرا و زاویه حمرا و مطریه و امیریه رفتند و محصولات همه را خوردند و چهارپایان آنها را دزدیدند و با زنان زنا کردند و دختران باکره را بی‌آبرو ساختند و با پسران لواط کردند و آن‌ها را گرفته و در بین خود فروختند؛ و حتی بعضی از آنان را در بازار مسکه فروختند و مجاهدین این‌چنین می‌کنند (الجبرتی، بی تا، ج ۳، ص ۱۹۰).

جهاد نکاح با محارم

تردید نیست که عرب به گونه‌های جاهلان‌های از نکاح ارتکاب می‌جست و حتی از نکاح‌های زشت و ننگ‌بار با برخی از خویشان خود پرهیز نمی‌کرد، چنان‌که به ازدواج با زن پدر - به شرط آن‌که مادر خودش نباشد - یا ازدواج هم‌زمان با دو خواهر (جمع بین الاختین) دست می‌یازید (آلوسی، ۱۳۱۴، ص ۳۴).

اما باید دانست که مردم عرب در دوران پیش از اسلام، در کنار تمام «جاهلیت» ها، به آیین و عرفی نیز پای بند بودند، چنان‌که ایشان در همان دوران، ازدواج با شماری از زنان را حرام می‌دانستند که اسلام نیز حرمت آن را امضا و تقریر نمود (بخاری، ۱۴۰۵، ص ۲۳۸). مرد عرب با دختر، مادر، خواهر، خاله یا عمه خویش ازدواج نمی‌کرد؛ و اساساً نزد عرب، اصل بر این بود که نکاح با محارم، حرام باشد (بغدادی، محمدبن حبیب، ۱۴۰۱، ص ۱۱۲).

در مورد ازدواج با محارم که در برخی منابع معتبر تاریخی تصریح شده که چنین نکاحی از نظر عرب پیش از اسلام، حرام نبوده است و به تعبیری، بنا به آیین و شرع جاهلیت، آن نکاح، مباح بوده است. البته این منابع، بیشتر به یک گزارش تاریخی نظر دارند که بر مبنای آن گزارش، چنین نکاحی در میان دو تن از نیاکان رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) به ترتیب: کنانه و هاشم واقع شده است. حال آیا به راستی، اصل چنین گزارشی صحت دارد یا پرورده خیال کسانی است که خود ایل و تباری بدان داشته‌اند و به دنبال جعل شریک جرم بوده‌اند به هررو، این موضوع مستند ازدواج با محارم در جهاد نکاح بوده است و نیروهای داعشی بر اساس فتاوی علمای وهابی خود و به استناد به این گزارش نکاح با محارم را مباح دانسته و در جریان جنگ با سوریه بدان اصرار ورزیده‌اند (جوادی علی، ۱۴۱۳، ص ۵۸).

کوتاه سخن آن‌که جاهلیت عرب، سبب ارتکاب او به چنین عملی می‌گردید، اما در همان حال، غیرت و حمیت، او را وا می‌داشت که آن را کاری زشت بشمارد (جوادی علی، ۱۴۱۳، ص ۵۲۹). با همه این اوصاف باز هم در دوران معاصر و توسط نیروهای داعشی و علم به تحریم این نوع نکاح در قرآن، ازدواج با محارم در قالب جهاد نکاح تجویز و مباح پنداشته شده و توسط نیروهای داعشی در سوریه این امر صورت می‌پذیرد.

جهاد عشقی

"مخادنه" در لغت به معنای «مصاحبه» و «دوستی داشتن» است یعنی زنی برای خود، مردی را و مرد برای خود، زنی را به دوستی بر می‌گزید و آن دو دوست باهم رفت و آمد و نزدیکی می‌کردند. پس هرگاه فرزندی زاده می‌شد، زن اعلام می‌کرد که آن فرزند برای فلان کس است، سپس مرد، همان زن را به ازدواج خود در می‌آورد (بغدادی، ۱۴۱۳، ص ۹۰).

طبری در تفسیر خود، در تفاوت میان «زنا» و «مخادنه» می‌گوید: زن زناکار به طور علنی زنا انجام می‌داد، اما زن مخادن، خویشتن را برای دوست (خلیل، خدن) خود نگاه می‌داشت تا با او مخفیانه - نه آشکارا - فجور کند (طبری، ۱۴۱۹، ص ۱۲۹). در اسلام، این نکاح بنا به نص قرآن کریم ممنوع شد. «و لا متخذات أخدان...» (نساء آیه ۲۵)

این نوع ازدواج که به نکاح عشقی در میان نیروهای داعشی مرسوم است به صورتی است که در آن پسران جوان و مردان مسلمان برای جذب دختران غیرمسلمان و مسلمان کردن آنها وانمود می‌کنند که عاشق زن یا دختر هدف خود شده‌اند. در واقع جهاد عشقی در منطقه ساحلی کارناتااکا و کراالا انجام می‌شده است. نهاد بنیادگرای مسلمان به نام جبهه محبوب هند

به تشویق این فعالیت متهم شده است بنابر اعلام کنسول کشیش‌های کاتولیک کراالا حدود ۴۵۰۰ دختر در این جهاد هدف قرار گرفته شده بودند، در حالی که وب سایت هندو جاناجاگروتی اعلام کرده است که ۳۰۰۰۰ دختر تنها در منطقه کرناٹاکا در پی این نوع جهاد به اسلام گرویده‌اند. ولپالی ناتستان مسوول موسسه سری نارایانا اعلام کرده است که جوامع نارایانا مواردی از تلاش برای جهاد عشقی گزارش شده است.

تفاوت‌ها و شباهت‌های جهاد نکاح با عقد متعه

اخیرا عالمان تکفیری در دفاع از جهاد نکاح، آن را به "متعه" شیعه تشبیه کرده‌اند که در تبیین چند نکته یادآوری می‌شود:

۱. متعه که مورد قبول شیعه و مستند به قرآن و سنت است، در جهان اهل سنت مورد انکار شدید واقع شده و آن را در حکم زنا دانسته و برای کسی که به آن عمل کند، تعزیر قائل شده‌اند (البسیوی، ۱۴۱۱، ص ۲۲۸)؛ و در قبح و غیر مشروع بودن آن در طول تاریخ، قلم‌فرسایی‌ها کرده و اعتقاد به این حکم را از نشانه‌های باطل بودن شیعه شمرده‌اند.

۲. این که "جهاد النکاح" را با "متعه" مورد اعتقاد شیعه تشبیه می‌کنند، خود به معنای تصویب و مشروع دانستن متعه است و این افراد ناخواسته و نادانسته مطالبی را که قرن‌ها است در انکار آن سخت‌ترین تلاش‌ها را به کار بسته‌اند، شرعی می‌شمارند و این خود عنایت خداست که از دل باطل حق را تایید می‌کند:

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ (روم/۱۹)

او از دل مرده زنده را بیرون می‌آورد و از دل زندگی مرگ را.

۳. "جهاد النکاح" بنا بر آنچه واقع می‌شود و در اخبار منعکس می‌گردد با متعه هیچ شباهت مبنایی ندارد زیرا متعه دارای چارچوب و قانون‌هایی است که در جهاد النکاح بنا بر مستندات منتشره رعایت نمی‌گردد. متعه یک ازدواج موقت است با ارکان و مبناهای زیر:

الف- صیغه مانند ازدواج دائم، ایجاب و قبول دارد یعنی زن خود را برای مدتی معین به ازدواج مردی درمی‌آورد و مرد هم قبول می‌کند. این مدت می‌تواند کوتاه [یک ساعت مثلاً] یا طولانی [۵۰ سال مثلاً] باشد. صیغه ایجاب و قبول که در ازدواج دائم وجود داشته و آن را از زنا متمایز می‌سازد، در متعه هم موجود است و حلیت آن و تمایزش با زنا را در پی دارد.

ب. در صیغه حتماً باید علاوه بر مدت، مهریه هم معین باشد. البته مقدار آن از حیث کم و زیاد و جنس، به عهده توافق طرفین است.

ج. بعد از تمام شدن مدت، عقد نکاح خود به خود تمام می‌شود و بر عکس ازدواج دائم برای از بین رفتن محتاج طلاق نیست.

د. این نکاح مانند نکاح دائم عده دارد تا "اختلاط میاه" و اختلال نسب‌ها پیش نیاید و پدر فرزند معین باشد.

البته مدت عده آن کمتر از عده ازدواج دائم و به مدت دو حیض و یک طهر [پاکی بین دو حیض] است. اگر زن از ازدواج موقت حامله شود که با عده مشخص می‌گردد، باید تا وضع حمل از ازدواج با غیر صاحب نطفه خودداری ورزد.

ه. فرزند حاصل از ازدواج موقت با فرزند حاصل از ازدواج دائم از لحاظ احکام کاملاً یکسان است (موسوی اردبیلی، ۱۳۸۴، ص ۲۵).

با توجه به این احکام قطعی که در تمام کتب فقهی شیعه از صدر تا به امروز وجود دارد، معلوم می‌گردد که تشبیه "جهاد النکاح" معمول در جبهه‌های شورشیان سوری و جاهای دیگر با متعه سازگاری ندارد زیرا در متعه اجازه داده نشده زن بدون عقد یا با دو و چند مرد بدون فاصله شدن عده آمیزش داشته باشد و بعد از تمام شدن عده هم در صورتی که حامله باشد تا وضع حمل از ازدواج موقت با دیگری ممنوع است.

فقه اسلامی و جهاد نکاح

الف - نظر فقهای معاصر اهل سنت در مورد جهاد نکاح

اهل سنت در بحث‌های درون‌دینی، با استناد به دستورها و سنت پیامبر، کلاً عقد موقت را حرام می‌دانند. عمده‌ترین استناد اهل سنت در مورد حرمت ازدواج موقت بر تحریم آن به واسطه سنت و احادیث پیامبر (ص) است. آنان دلیل مخالفت خود نسبت به ازدواج موقت را، «نسخ» ذکر می‌کنند و معتقدند که ازدواج موقت به استناد تعدادی از آیات قرآن و همچنین حدیثی صریح از پیامبر منسوخ است. از جمله این‌که زن در ازدواج موقت زوجه نیست برای آن‌که از شرایط زوجیت این است که ارث ببرد و بتوان او را طلاق داد و در آن لعان وظهار جاری شود و دارای عده باشد و حق نفقه داشته باشد و حال آن‌که هیچ‌یک از این شرایط در ازدواج موقت نیست و از تمام شوون زوجیت محروم است (شیخ عثمان بطیخ" مفتی کشور تونس اعزام دختران تونس به سوریه برای عمل به فتوای به اصطلاح "جهاد نکاح" (ازدواج با تروریست‌ها) را فساد اخلاقی و زنا دانسته است).

ب - نظریه فقهای شیعه در مورد جهاد نکاح

دیدگاه فقه شیعه درباره آنچه به عنوان جهاد نکاح مشهور است چیست؟

۱- حضرت آیت الله صافی گلپایگانی:

ازدواج با محارم در هیچ حالی حلال و جایز نیست. آنچه شرعاً ثابت است ازدواج دائم و موقت است با شرائطی که در کتب فقهی برای آن ذکر شده است و الله العالم (<http://marjaema.net/?p=114&id=62>).

۲- حضرت آیت الله شبیری زنجانی:

در شریعت مقدس اسلام نکاح خاصی تحت عنوان «جهاد نکاح» وجود ندارد و در حال جهاد نیز، باید شرایط نکاح مانند انشا صیغه، بی‌شوهر بودن زن، در عده نبودن، محرم نبودن و سایر شروط، رعایت شود (<http://shiacenter.persianblog.ir/tag>).

۳- حضرت آیت الله سبحانی:

جهاد نکاح افسانه و نوعی فحشا است که متأسفانه برخی از به ظاهر مفتیان برای نابود کردن طرف مقابل تجویز کرده‌اند (www.pasokhgoo.ir/node/5267).

۴- حضرت آیت الله روحانی:

باسمه جلت اسمائه

جهاد نکاح در اسلام نداریم و ازدواج با محارم در هیچ شرایطی مجاز شمرده نشده است (به نقل از دفتر حضرت آیت الله العظمی روحانی، بخش استفتائات. www.rohani.ir).

ارزیابی اعتبار حکم جهاد نکاح با آیات قرآنی و قوانین اسلامی

نکاح در اصطلاح اسلامی؛ یعنی ایجاد پیوند زناشویی بین یک زن و مرد با رضایت آن‌ها و یا ولی و یا وکیل شرعی آن‌ها با رعایت شرایط دیگری که محرم نبودن این دو به یکدیگر و نیز شوهر نداشتن و در عده نبودن زن، برخی از شرایط آن است؛ شرایطی که چون حکم صریح قرآن است تمام مسلمانان، شیعه و سنی بر آن اتفاق نظر دارند.

عقد نکاح در اسلام دارای شرایطی است که اجرای صیغه عقد یکی از آنهاست. به گفته برخی، مقصود از «پیمان محکم» زنان از مردان در آیه (۲۱/نساء)، عقد (صیغه) ازدواج است:

«وَأَخْذُنَّ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا» (فخر رازی، ۱۳۸۵، ج ۱۰، ص ۱۶؛ طبرسی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۴۲).

همچنین شرط دیگر به پایان رسیدن عده زنی است که قبلاً در عقد مرد دیگری بوده است و اکنون از او جدا شده است؛ در آیه (۲۳۵/بقره) می‌فرماید: تا عده زن به پایان نرسیده، عقد نکاح را برقرار نکنید:

«وَلَا تَعْزِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ»

شرط دیگر محرم نبودن این دو به یکدیگر است که آیه (۲۳/نساء) بر آن تأکید دارد:

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَ...

بر شما حرام است مادرهایتان و دخترانتان و خواهرانتان و عمه هایتان و خاله هایتان و... که مراد از حرمت در اینجا حرام بودن ازدواج و نکاح با ایشان است (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۵، ص ۱۰۵).

شرط نهایی نیز اختیار و رضایت است؛ بنابراین، عقد با اکراه و عدم رضایت دختر یا پسر، درست نیست. از آیاتی استفاده می‌شود که در عقد زناشویی، اصلی‌ترین مرجع تصمیم‌گیرنده، زن و شوهر هستند و این مطلب، به رغم محدودیت‌هایی که برای زنان در طول تاریخ و عصر جاهلیت وجود داشته، جالب توجه است (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ص ۳۶۹).

آیه (۲۳۰/بقره)، نکاح را به زن نسبت می‌دهد و تحقق آن را به اراده او می‌داند.

حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ (آیات ۲۳۲ و ۲۳۴/بقره).

زنان را پس از تمام شدن عده طلاق و وفات، صاحب اختیار می‌داند و دیگران را از دخالت در امور آنان برحذر می‌دارد. «وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَلْيُغْلِبَنَّ أَجْلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضُوا بَيْنَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ... فَإِذَا بَلَغْنَ أَجْلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ».

از جانب دیگر، قرآن، مسأله ولایت دیگران (پدر، جد پدری، وصی و حاکم و مولا) و حق دخالت آنان در ازدواج را نیز مطرح کرده است (نجفی، ۱۳۶۴، ج ۲۹، ص ۱۷۰).

بر اساس آیات، این گروه در ازدواج طفل، مجنون، سفیه حق دخالت داشته و اجازه آنها با شرایطی که دارد برای ازدواج لازم است؛ اما ولایت بر نکاح باکره رشیده اختلافی است و درباره آن، سه نظریه وجود دارد:

۱. رأی حنفیه از اهل سنت (الجزیری، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۳۲) و مشهور میان قدما و برخی از متأخران از شیعه (تبریزی، ۱۳۸۹، ص ۲۵۸) آن است که دختر باکره در تصمیم‌گیری مستقل است و رضایت پدر و جد لازم نیست.

۲. نظر شافعیه و حنابله (الجزیری، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۳۵ و ۳۶) و برخی از شیعه (تبریزی، ۱۳۸۹، ج ۱۴، ص ۴۴۰)، استقلال پدر و جد، در ازدواج باکره است؛ در نتیجه در ازدواج همه زنان اذن ولی شرط خواهد بود.

۳. مالکیه (الجزیری، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۳۴) و برخی از شیعه، موافقت پدر و دختر را لازم می‌دانند، مگر آن‌که پدر منع کند (تبریزی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۷۰۰):

«فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضُوا بَيْنَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ (بقره/۲، ۲۳۲) یا غایب باشد (تبریزی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۷۰۱).

نتیجه گیری

جهاد نکاح نیز به نوعی ازدواج موقت است که برای خود دارای شرایط و آثاری است و مخالفان در بحث‌های درون‌دینی، با استناد به دستورها و سنت پیامبر، این نوع نکاح را حرام می‌دانند. عمده‌ترین استناد این نظریه پردازان در مورد حرمت جهاد نکاح بر تحریم آن به واسطه سنت و احادیث پیامبر است. آنان دلیل مخالفت خود نسبت به این ازدواج را، «نسخ» ذکر می‌کنند و معتقدند که ازدواج موقت در هر شکلی که باشد به استناد تعدادی از آیات قرآن و همچنین حدیثی صریح از پیامبر منسوخ است. از جمله این‌که زن در این نوع ازدواج زوجه نیست برای آن‌که از شرایط زوجیت این است که ارث ببرد و بتوان او را طلاق داد و در آن لعان و ظهار جاری شود و دارای عده باشد و حق نفقه داشته باشد و حال آن‌که هیچ یک از این شرایط در این ازدواج نیست و از تمام شوون زوجیت محروم است. همچنین جهاد نکاح ارث ندارد و زوجه دائم ارث دارد و با توجه به ارث زوجین، چون در این ازدواج زوجین از یکدیگر ارث نمی‌برند، پس قرآن ناسخ آن است. علاوه بر آن چون جهاد نکاح طلاق ندارد و طلاق هم از لوازم زوجیت است پس متعه زوجه نیست و چون زوجه نشد، آیه طلاق ناسخ آیه متعه می‌باشد در صورتی که اگر متعه زوجه بود، باید بتوان آن را طلاق داد و حال آن‌که در این ازدواج طلاق ندارد.

با این حال استدلال موافقان جهاد نکاح نیز تنها یک منبع فقهی یعنی کتاب صحیح بخاری است. نکته مهم در این روایت این است که می‌گوید: «تَنْكِحُ الْمَرْأَةَ بِالتَّوْبِ» کلمه «ننکح» جمع است؛ یعنی چند مرد و کلمه «المرأة» مفرد است، یعنی یک زن.

معنای روایت این می‌شود که جمعی از صحابه با یک زن نکاح کنند و این همان جهاد النکاحی است که امروزه وهابی‌ها به آن عمل می‌کنند. با این اوصاف آن چه که متفق القول علمای اسلام می‌باشد این است که به طور اساسی در اسلام چیزی به نام جهاد نکاح وجود ندارد و آنچه که اکنون شاهد آن هستیم حاصل تفاسیر غلط از آیات قرآنی و منابع فقهی است.

منابع و مأخذ

۱. آلوسی، محمود شکری، ۱۳۱۴ ق، بلوغ الارب فی معرفة احوال العرب، تحقیق محمد بهجه اُثری، بیروت، دارالکتاب العلمیه.
۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، ۱۴۰۵، صحیح بخاری، بیروت، دارالفکر
۳. بغدادی، محمد بن حبیب، ۱۴۱۳، المحبّر، تصحیح ایلزه لیختن اشتایتر، بیروت، منشورات درالآفاق الجدیده.
۴. تبریزی، میرزا جواد، ۱۳۸۹، مبانی العروه الوثقی، ناشر: دار الصدیقه الشهیده، ج ۲.
۵. الجبرتی، عبد الرحمن بن حسن، بی تا، تاریخ عجائب الآثار فی التراجم والأخبار، بی تا، ج ۳.
۶. الجزیری، عبد الرحمن، ۱۴۱۸، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۴، نشر دارالکتب.
۷. جوادعلی، ۱۴۱۳ ق/ ۱۹۹۳ م، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بی جا.
۸. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، ۱۴۱۹ ق، جامع البیان، تحقیق صدقی جمیل عطّار، بیروت، دارالفکر.
۹. طبرسی، ابوعلی فضل بن الحسن، ۱۳۸۹، مجمع البیان، مترجم هاشم رسولی و همکاران، انتشارات فراهانی، تهران.
۱۰. فخر رازی محمد، ۱۳۸۵، التفسیر کبیر، چاپ دوم، تهران، ج ۱۰.
۱۱. قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، الجامع لأحكام القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران.
۱۲. موسوی اردبیلی، مرتضی، ۱۳۸۴، المتعه النکاح المنقطع، بیروت.
۱۳. موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۸۹، نجاه العباد، تهران، موسسه تنظیم اثار امام خمینی ره.
۱۴. نجفی، محمد حسن، ۱۳۶۴، صاحب جواهر الکلام، بیروت، دارالاحیا التراث العربی.
15. Beware of 'love jihad'. Mathrubhumi (Kochi, Kerala, India: mathrubhumi.org). 2009-10-15. Retrieved 2009-10-18
16. Egyptian Propaganda: Fatwa Permits "Anal Jihad" for Muslim Brotherhood Members, Al-Tahrir TV (Egypt), 26 June 2014 (published by MEMRI)
17. Fatwa Permitting 'Jihad Sodomy' for the Victory of Islam – The Question Homosexuality in Islam 2014
18. Michael Stone. «Fatwa authorizes 'anal jihad' for ISIS terrorists far from home». patheos July 15, 2014
19. Tina Nguyen, Prominent Cleric Denounces Muslim Brotherhood's 'Anal Jihad' Practices, Mediaite, 19 July 2014
20. <http://marjaema.net/?p=114&id=62>
21. <http://shiacenter.persianblog.ir/tag۲۱۱۵>
22. www.pasokhgoo.ir/node/5267